

سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی استان همدان)

حسنتاله سعدی*، حسین شعبانعلی فمی**، سمیه لطیفی***

چکیده: پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی استان همدان و عوامل مؤثر بر توانمندی آنها انجام شده است. روش تحقیق پیمایشی بوده و از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. به این منظور ۴۰۴ نفر از زنان قالیباف استان همدان براساس جدول کرجسی و مورگان انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد میانگین توانمندی اجتماعی زنان قالیباف روستایی از توانمندی اقتصادی آنها بالاتر است. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد متغیرهای مساحت فرش دستباف تولیدی، دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی، سطح دانش تخصصی و مدت زمان قالیبافی در طول روز از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی زنان قالیباف هستند که در مجموع ۴۲ درصد از تغییرات متغیر توانمندی اقتصادی را تبیین می‌کنند. در مورد توانمندی اجتماعی نیز متغیرهای رضایت از شغل قالیبافی، توانمندی اقتصادی، سطح دانش تخصصی و میزان تحصیلات در مجموع ۴۳ درصد از تغییرات متغیر توانمندی اجتماعی را تبیین می‌کنند. با توجه به نتایج این پژوهش، تقویت شاخص‌هایی که بر توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف مؤثر هستند، به ویژه شاخص‌های دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی و دانش تخصصی قالیبافان از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی به منظور افزایش توانمندی آنها، ضروری است.

واژگان کلیدی: زنان روستایی، توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی، قالیبافی، استان همدان.

مقدمه و طرح مسأله

توسعه پایدار، توسعه‌ای انسان محور تعریف شده که موجب بیشترین تغییر مثبت و ماندگار در افراد جامعه می‌شود. فراگیری این تغییرات در همه قشرهای اجتماعی و درگیرکردن تمامی افراد و گروه‌ها در فرآیند توسعه، مهم‌ترین وجه تمایز توسعه پایدار از تعاریف پیشین توسعه به شمار می‌رود. در واقع شرط

hsaadi48@yahoo.com

hfami2008@gmail.com

somaye.latifi84@gmail.com

* استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا

** دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

*** گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه بوعلی سینا

تحقق توسعه پایدار حضور و مشارکت واقعی و فعال زنان در کنار مردان در فرآیند توسعه است. اما بی‌تردید حضور و مشارکت واقعی زنان در گرو توانمندی آنها است و توانمند سازی زنان مقدمه‌ی لازم برای حضور آنها در جریان توسعه است (خلوتی، ۱۳۸۸: ۱۵۴). همچنین در مواجهه با تداوم فقر و برقراری عدالت جنسیتی ضرورت توانمند سازی آنان در ادبیات توسعه و جنسیت مدنظر قرار گرفته است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱). در این میان شرایط توسعه نیافتگی در فضای روستایی باعث شده است که زنان روستایی به رغم گستردگی مشارکت‌شان در فعالیت‌های روزانه اقتصادی- اجتماعی همواره به عنوان اقلیت آسیب پذیر در برنامه‌های توسعه روستایی به حساب آیند (علی بیگی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۹) و به دلایل فرهنگی و حقوقی، دسترسی و کنترل بسیار محدودی به منابع داشته و درصد بسیار کمی از آنها از خدمات ارائه شده در سطح روستا استفاده کنند (لیپینس و اسچیک^۱، ۱۹۹۸). این در حالی است که زنان در گستره جهانی نقش عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی دارند، اما فعالیت اقتصادی آنان در کشورهای در حال توسعه و از همه مهم‌تر در نواحی روستایی این جوامع شکل متفاوتی دارد. این فعالیت‌ها عمدتاً سنتی است و در داخل خانه انجام می‌شود و جنبه تولیدی داشته و در افزایش درآمد خانوار تأثیر بسزایی دارد (نوری و علی محمدی، ۱۳۸۸: ۸۸). مطالعات مختلف حاکی از آن است که در برخی از نقاط روستایی که فعالیت‌های زراعی نمی‌تواند نیاز مالی خانواده را تأمین کند، سهم عمده‌ای از درآمد خانواده از طریق صنایع دستی و به ویژه بافت فرش دستباف تأمین می‌شود و بیش از ۹۰ درصد این گونه فعالیت‌ها به وسیله زنان و دختران روستایی انجام می‌شود (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۸۰).

خوداشتغالی زنان از طریق گسترش صنایع دستی در روستاها تا حد زیادی در ارتقاء نقش اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی مؤثر بوده و شرایط مناسبی را به لحاظ اقتصادی و اجتماعی برای آنها فراهم می‌کند (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۸۰). بنابراین می‌بایست آنها در زمینه‌های مختلف توانمند شوند تا از این طریق بتوانند نقش خود را در جامعه بیشتر نمایان کنند. توانمندسازی زنان با کیفیت زندگی و مسایل اساسی حقوق بشر در ارتباط است (جکسون^۲، ۲۰۱۰). با وجود نقش با اهمیت زنان روستایی در تولید فرش دستباف و اقتصاد خانوار روستایی، کمتر مطالعه‌ای در خصوص توانمندی اقتصادی و اجتماعی این قشر از جامعه انجام شده و به نوعی این گروه از زنان به فراموشی سپرده شده‌اند، لذا ضرورت دارد به توانمندی اقتصادی و اجتماعی

^۱. Lipiens and Schick

^۲. Jackson

سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن ۱۰۹

زنان قالیباف روستایی به عنوان مهم‌ترین تولید کنندگان فرش دستباف بیشتر توجه شود. به عبارتی بررسی وضعیت توانمندی زنان قالیباف روستایی، به منظور دستیابی به الگوی مناسب توانمندی آنها به عنوان پایه‌های اصلی تولید فرش دستباف در کشور، از ضرورت‌های اساسی است و عدم آشنایی با میزان و عوامل مؤثر بر توانمندی آنها از موانع اساسی در جهت بهبود وضعیت زنان قالیباف و به تبع آن بهبود وضعیت صنعت فرش دستباف کشور می‌باشد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن می‌باشد تا با آگاهی از میزان توانمندی آنها و بررسی عواملی که زمینه‌ساز توانمندی آنها است، راهکارهایی در جهت بهبود وضعیت این قشر از جامعه ارائه شود و انگیزه لازم در آنها جهت ادامه فعالیت در این صنعت به وجود آید.

مبانی نظری تحقیق

امروزه در رویکردهای توسعه، به جای توجه به افزایش شاخص‌های رشد اقتصادی، به افزایش فرصت‌های عمومی و نقش‌آفرینی گروه‌های مختلف اجتماع توجه می‌شود و توسعه پایدار یک اجتماع حاصل مشارکت همه اقشار می‌باشد، البته این مشارکت نیز در گرو توجه به نیازها و مسائل اقشار مختلف جامعه و به طور کلی توجه به توانمندی آنهاست (سانی^۱، ۲۰۰۶؛ چانت^۲، ۱۹۹۷). در واقع ارزش‌های اصلی توسعه پایدار را باید در ارتقای کیفیت زندگی، یعنی توانمندسازی زنان و مردان در تأمین نیازهای اساسی، تلاش در جهت رفع اختلاف طبقاتی در جوامع، رشد آگاهی عمومی، اعتماد به نفس و اعتقاد عامه مردم به اهداف توسعه و حفظ امنیت و آزادی جستجو کرد (رحیمیان، ۱۳۸۶). در این میان نظریه و رویکرد توانمندسازی زنان برخاسته از طرح موضوعاتی همچون توسعه انسانی و عدالت جنسیتی است و از طریق مفاهیمی نظیر انتخاب، قدرت کنترل بر زندگی خود و منابع، توانایی تصمیم‌گیری و دارا بودن مهارت‌های زندگی و به طور کلی، از طریق اثرگذاری بر آنچه در زندگی فردی و خانوادگی اهمیت دارد، تبیین و تعریف می‌شود که نتیجه آن، بهبود کیفیت زندگی است (مالهاترا^۳، ۲۰۰۲؛ چانت^۴، ۲۰۰۳: ۱۳). توانمندسازی زنان فرآیندی پویاست که توانایی زنان را برای تغییر ساختارها و ایدئولوژی‌هایی که آنها را در موقعیت فرودستی نگهداشته است، در بر

^۱. Sanni

^۲. Chant

^۳. Malhotra

^۴. Chant

می‌گیرد. این فرآیند زنان را در دستیابی بیشتر به منابع و کنترل بر زندگی کمک می‌کند، موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر آنها می‌شود و عزت نفس آنها را افزایش می‌دهد (اوگومبه^۱، ۲۰۰۱: ۱۳). سریلاتا باتلیوالا^۲، توانمندی زنان را به این صورت تعریف می‌کند: توانایی زنان برای به دست آوردن آگاهی و کنترل کردن نیروهای شخصی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با هدف اقدام برای بهبود زندگی‌شان (منون^۳، ۲۰۰۳: ۲۰). کلر و ام بی وو^۴ (۱۹۹۱) نیز توانمندی زنان را فرآیندی می‌دانند که زنان طی آن برای سازماندهی خود توانمند می‌شوند، اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی آنها می‌شود، دفاع می‌کنند (خلوتی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). کبیر^۵ (۲۰۰۰) معتقد است که توانمندسازی به پیشرفت توانایی افراد در اتخاذ تصمیمات راهبردی زندگی اطلاق می‌شود، در حالی که همین افراد در گذشته از داشتن این توانایی محروم بوده‌اند. با توجه به مباحث مطرح شده توانمندی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک در غالب تعاریف و مفاهیم است. نخستین عنصر، منابع است که شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال می‌باشد که از عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی به شمار می‌آید (کبیر، ۲۰۰۲). دومین عنصر عاملیت است، یعنی اینکه زنان را نباید فقط به عنوان دریافت‌کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرآیند تغییر به ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی ایشان دارند، در نظر گرفته شوند. سومین عنصر دستاوردها یا پیامدهاست که در اثر فرآیند توانمندسازی ایجاد می‌شود (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۵).

توانمندسازی موضوعی است چند بعدی که می‌تواند در ابعاد مختلف تحقق یابد. پروین (۲۰۰۷)، توانمندسازی زنان را وابسته به دامنه‌ای از عوامل می‌داند که ابعاد روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را شامل می‌شود. همچنین مالهاثرا^۶ (۲۰۰۳)، شش بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، سیاسی، روانی، روانی، قانونی و حقوقی، را در توانمندسازی زنان مد نظر قرار می‌دهد. ارتقاء توانمندی زنان در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی یک شرط لازم برای توسعه پایدار است. این امر در نواحی روستایی که زنان از دیرباز و

1. Ugbomeh

2. Srilatha Batliwala

3. Menon

4. Keller & Mbwewe

5. Kabeer

6. Malhotra

بطور سنتی در کارهای اقتصادی خانواده مشارکت داشته‌اند، از ضرورت بیشتری برخوردار است. به طوری که در حال حاضر توانمندسازی زنان روستایی در ابعاد مختلف یکی از موضوعات محوری در فرآیند توسعه برای بسیاری از کشورها است. فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی نقش مؤثری در اقتصاد مناطق روستایی دارد. تولید صنایع دستی به ویژه فرش دستباف یکی از این فعالیتهای آنهاست که در اکثر مناطق روستایی ایران از گذشته‌های دور رواج داشته است. به طوری که هاشمی (۱۳۷۴) معتقد است که کسب درآمد از طریق تولید صنایع دستی به وسیله زنان روستایی، سبب ارتقاء مقام و منزلت آنها شده و این نگرش که زنان عناصری غیر فعال هستند که فقط وظیفه خانه داری را به عهده دارند به مرور از اذهان زدوده خواهد شد.

مروری بر مطالعات پیشین

در خصوص عوامل مؤثر بر توانمندی زنان، مطالعه کتابی و همکاران (۱۳۸۲) نشان داد که افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی جامعه در خصوص اشتغال زنان از عوامل مؤثر بر فرآیند توانمندسازی زنان هستند. کلاتری و همکاران (۱۳۸۹) نیز مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توانمندسازی اقتصادی زنان را مشارکت اقتصادی، انسجام خانوادگی و آگاهی اجتماعی عنوان کرده‌اند. مرادی (۱۳۸۹) نیز طی مطالعه‌ای نشان داد که سطح تحصیلات و وضعیت تأهل با توانمندی زنان مورد مطالعه ارتباط معنادار و قابل تاملی نداشته است. اما امکانات و تجهیزات قالیبافی و مکان ارائه شده به افراد برای قالیبافی، توانسته بر توانمندی زنان و دختران روستایی تأثیر مثبت داشته باشد.

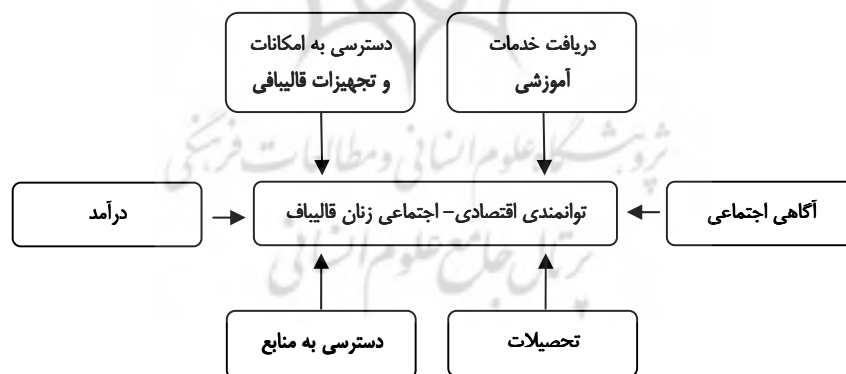
شکوری و همکاران (۱۳۸۶) در مطالعه خود، توانمندی اقتصادی را با متغیرهای کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام و قدرت پس‌انداز کردن و توانمندی اجتماعی را با متغیرهای تغییر نگرش نسبت به نقش زنان، مشارکت در امور اجتماعی، جمع‌گرایی و تمایل به حضور در فضاهای عمومی سنجیده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بالاترین میزان توانمندی در بعد روانی و پایین‌ترین میزان در بعد اقتصادی است. همچنین بین وام خوداشتغالی و خدمات آموزشی دریافت شده و توانمندی کلی زنان رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش ساعی‌ارسی و ولی‌پور (۱۳۸۸) نیز نشان داد که تحصیلات و عامل اقتصادی نقش کلیدی در توانمندسازی زنان دارد. سروش مهر و همکاران (۱۳۸۹) طی مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که تحصیلات همسر، اعتماد به نفس، میزان پس‌انداز، مهارت‌های اقتصادی زنان، مشارکت اقتصادی و تحرک

اجتماعی اثر مثبت و معنی داری در سطوح مختلف، بر احتمال بهبود پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی داشته‌اند.

خلوتی (۱۳۸۸) نیز طی مطالعه‌ای نشان داد که میزان توانمندی زنان خانه‌دار در ایران پایین است. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز بیانگر این بود که براساس ضریب تعیین تعدیل شده، ۸۸ درصد تغییرات میزان توانمندی زنان خانه‌دار را هشت متغیر عزت نفس، خود کارآمدی، توانایی بیان آرزوها و علایق و جامعه‌ی عمل پوشاندن به آنها حتی زمانی که عرف و جامعه آن را نمی‌پذیرد و به چالش کشیدن شرایط موجود، آگاهی از عوامل ناتوانی و مقابله با آنها به صورت گروهی، توانایی تصمیم‌گیری در حوزه‌های مهم و راهبردی زندگی، دسترسی به منابع مالی و مشارکت در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی تبیین می‌کنند.

بررسی و تحلیل ادبیات نظری تحقیق حاکی از آن است که تحقیقات زیادی در زمینه توانمندی زنان و عوامل مؤثر بر آن انجام شده است اما در خصوص توانمندسازی زنان روستایی به ویژه زنان قالیباف، با وجود نقش با اهمیتی که در اقتصاد روستایی و در اقتصاد ملی دارند، مطالعه‌ای انجام نشده است، لذا مطالعه حاضر درصدد است با بررسی میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن، به ارائه راهکارهای مناسب به منظور بهبود وضعیت اقتصادی- اجتماعی این گروه از زنان جامعه روستایی بپردازد.

نمودار شماره (۱): مدل نظری تحقیق



سنجش توانمندی اقتصادی- اجتماعی زنان قالیباف

بررسی مطالعات انجام شده در خصوص توانمندی اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد که محققان در تحقیقات خود از شاخص‌های مختلفی جهت سنجش توانمندی استفاده کرده‌اند. مارموت^۱ (۲۰۰۴) توانمندی اقتصادی و اجتماعی را شاخصی ترکیبی می‌داند که موقعیت اجتماعی و اقتصادی فرد در جامعه را نشان می‌دهد. شاخص‌هایی که جهت سنجش توانمندی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد در مطالعات مختلف بسته به نوع هدف تحقیق متفاوت هستند، به طوری که فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۸۸) به منظور بررسی میزان توانمندی زنان در ابعاد اقتصادی و اجتماعی شاخص‌های کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام، قدرت پس انداز کردن، مشارکت اجتماعی و استقلال فکری را مورد استفاده قرار داده‌اند، در حالی که محمدی (۱۳۸۷) جهت سنجش توانمندی زنان سرپرست خانوار، پنج متغیر رفاه، دسترسی به منابع، آگاهی، مشارکت و کنترل (قدرت تصمیم‌گیری) را شناسایی و میزان آن را در جامعه مورد مطالعه اندازه‌گیری کرده است. سروش مهر و همکاران (۱۳۸۹) پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی را براساس داشتن شغل درآمدزا، میزان درآمد، سطح تحصیلات و میزان تملک دارایی‌ها سنجیده‌اند. شادی طلب (۱۳۸۳) توانمندی اجتماعی را با متغیرهای تغییر نگرش نسبت به زنان، مشارکت در امور اجتماعی، جمع‌گرایی و تمایل به حضور در فضاهای عمومی تعریف کرده است. بانک جهانی نیز مدل توانمندسازی اجتماع محور را پیشنهاد و به اجرا گذاشته است، که در این مدل، مشارکت اجتماعی همه جانبه و تغییر اوضاع اجتماعی و نظام‌های اقتصادی هدف قرار گرفته است (نلسون^۲، ۱۹۹۵). شکوری و همکاران (۱۳۸۶) توانمندی اقتصادی را با متغیرهای کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام، قدرت پس انداز کردن سنجیده است.

با توجه به مباحث فوق و همچنین با توجه به هدف پژوهش که بررسی توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی به صورت خاص می‌باشد، سعی شده از شاخص‌هایی که به نوعی به حرفه قالیبافی مربوط می‌شود، استفاده شود. بنابراین به منظور سنجش توانمندی اقتصادی زنان قالیباف، شاخص‌های درآمد حاصل از قالیبافی، میزان تولید و دسترسی به تسهیلات قالیبافی مورد سنجش قرار گرفته و به منظور

^۱. Marmot

^۲. Nelson

سنجش توانمندی اجتماعی آنها، شاخص‌های تعامل و ارتباط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و آگاهی اجتماعی زنان قالیباف مورد مطالعه قرار گرفته است که در جدول شماره (۱) به صورت جزئی ذکر گردیده است.

جدول شماره (۱): شاخص‌ها و متغیرهای مورد مطالعه

ابعاد شاخص توانمندی	مؤلفه	معرف‌ها
توانمندی اقتصادی	درآمد حاصل از قالیبافی	درآمد حاصل از قالیبافی در طول یک سال (۱۳۸۹)
	میزان تولید فرش دستباف	میزان تولید فرش دستباف در طول یک سال (۱۳۸۹)
	دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی	میزان دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی، رضایت از مبلغ اقساط پرداختی، رضایت از مبلغ وام دریافتی، کافی بودن مبلغ وام برای فعالیت قالیبافی، رضایت از زمان و نحوه باز پرداخت اقساط.
توانمندی اجتماعی	آگاهی اجتماعی	آگاهی از حمایت‌های دولت از قالیبافان، آگاهی از طرح‌ها و نقشه‌های بازار پسند، آگاهی از وضعیت بازار فرش دستباف، آگاهی از مشکلات صنعت فرش دستباف، آگاهی از تکنولوژی‌های جدید قالیبافی.
	تعامل اجتماعی	میزان تعامل و همکاری با قالیبافان آشنا، میزان ارتباط با کارشناسان فرش دستباف، میزان ارتباط با تشکل‌های فرش دستباف، میزان ارتباط با اداره فرش سازمان بازرگانی.
	مشارکت اجتماعی	میزان کمک به بافت فرش قالیبافان دیگر، میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی، قرض دادن مواد اولیه و ابزار قالیبافی به قالیبافان، میزان تمایل به عضویت در تشکل‌های فرش، میزان شرکت در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های فرش، برگزاری جلسه بر حل مسائل و مشکلات.

فرضیات تحقیق

- براساس اهداف، مبانی نظری و مدل تحلیلی، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر تدوین و تنظیم شده‌اند:
- به نظر می‌رسد بین دانش تخصصی زنان قالیباف و توانمندی اجتماعی آنها رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
 - به نظر می‌رسد بین تحصیلات زنان قالیباف و توانمندی اجتماعی آنها رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
 - به نظر می‌رسد بین رضایت شغلی زنان قالیباف و توانمندی اجتماعی آنها رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
 - به نظر می‌رسد بین دسترسی زنان قالیباف به امکانات و تجهیزات قالیبافی و توانمندی اقتصادی آنها رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
 - به نظر می‌رسد بین مدت زمان قالیبافی در طول روز و توانمندی اقتصادی زنان قالیباف رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
 - به نظر می‌رسد بین توانمندی اقتصادی زنان قالیباف و توانمندی اجتماعی آنها رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به صورت پیمایشی، به بررسی میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف استان همدان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است. به منظور سنجش دقیق‌تر توانمندی زنان قالیباف از روش (ISDM¹) جهت طبقه‌بندی و امتیازدهی به هریک از شاخص‌ها استفاده شده است و سپس با حاصل جمع امتیازها، میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی قالیبافان در حد کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد ارزیابی شده است. این گروبندهی براساس میانگین و انحراف معیار با استفاده از فرمول‌های زیر بدست آمده است (صدیقی، ۱۳۸۰):

$\text{Min} < A < \text{Mean} - \text{Sd}$	A = کم
$\text{Mean} - \text{Sd} < B < \text{Mean}$	B = متوسط
$\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{Sd}$	C = زیاد
$\text{Mean} + \text{Sd} < D < \text{Max}$	D = خیلی زیاد

1. Interval of Standard Deviation from the Mean

جامعه آماری این پژوهش را زنان قالیباف فعال استان همدان تشکیل می‌دهند ($N=45000$) که بر مبنای جدول کرجسی و مورگان، ۴۰۴ نفر از آنها به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای دو مرحله‌ای است و نمونه‌ها به صورت متناسب انتخاب شده‌اند. این روش نمونه‌گیری، زمانی استفاده می‌شود که جامعه از طبقات مختلفی تشکیل شده و واریانس بین طبقات، بالا اما در داخل طبقات، کم است. در این مطالعه با توجه به وضعیت قالیبافی مناطق مختلف استان، هر شهرستان به عنوان یک طبقه مطرح شده است. در داخل طبقات نیز افراد مورد مطالعه متناسب با حجم نمونه‌ها انتخاب شده‌اند. گردآوری داده‌های تحقیق از طریق پرسشنامه انجام شد که با توجه به وضعیت سواد افراد جامعه مورد بررسی در کنار پرسشنامه از روش مصاحبه نیز استفاده شده است. روایی صوری پرسشنامه به وسیله متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. به منظور بررسی پایایی ابزار تحقیق نیز ۳۰ پرسشنامه در بین زنان قالیباف شهرستان‌های یاد شده توزیع و تکمیل شد و با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ($0/81$)، قابلیت اعتماد پرسشنامه نیز تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار $spss16$ و با بهره‌گیری از روش‌های آماری مناسب صورت گرفت. در این پژوهش به منظور تعیین عوامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف، از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

نتایج تحقیق

نتایج توصیفی

نتایج بدست آمده نشان داد که سن قالیبافان مورد مطالعه بین ۱۳ تا ۷۰ سال متغیر است (میانگین $40/43$ ، انحراف معیار $10/52$). سابقه قالیبافی افراد مورد مطالعه بین ۱ تا ۵۲ سال متغیر بوده و میانگین سابقه قالیبافی آن‌ها در حدود ۲۱ سال با انحراف معیار ۱۳ سال می‌باشد. همچنین نتایج بدست آمده بیانگر آن است که هر قالیباف به طور متوسط روزانه در حدود ۵ ساعت به کار قالیبافی مشغول است.

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی جامعه نمونه بر حسب ویژگی‌های فردی

ویژگی های فردی	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سن (سال)	۴۰/۴۳	۱۰/۵۲	۱۳	۷۰
سابقه قالیبافی (سال)	۲۰/۶۹	۱۳/۰۷	۱	۵۲
مدت زمان قالیبافی در طول روز (ساعت)	۵/۳۶	۲/۳۷	۱	۱۳

سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن ۱۱۷

نتایج بدست آمده نشان داد که سطح تحصیلات اکثریت قالیبافان (۸۷/۱ درصد) راهنمایی و پایین‌تر از راهنمایی است و تنها ۱۲/۹ درصد از افراد مورد مطالعه تحصیلات دبیرستانی و بالاتر دارند. در خصوص دارا بودن مدارک فنی و حرفه‌ای قالیبافی نیز نتایج نشان داد ۵۳/۵ درصد از قالیبافان دارای مدرک فنی و حرفه‌ای و ۴۶/۵ درصد از این افراد فاقد مدرک فنی و حرفه‌ای هستند.

به منظور سنجش دانش تخصصی زنان قالیباف ۱۰ سوال تخصصی در زمینه حرفه قالیبافی از افراد پرسیده شد. نتایج نشان داد که به لحاظ دانش تخصصی زنان قالیباف استان در وضعیت مناسبی قرار دارد. به طوری که سطح دانش تخصصی ۸۸/۳ درصد از افراد مورد مطالعه در حد متوسط به بالا است (جدول ۳).

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی جامعه نمونه برحسب سطح دانش تخصصی

دانش تخصصی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۰ - ۴/۸ (کم)	۴۴	۱۱/۳	۱۱/۳
۴/۹ - ۶/۵ (متوسط)	۱۳۱	۳۳/۸	۴۵/۱
۶/۶ - ۸/۴ (زیاد)	۱۵۶	۴۰/۲	۸۵/۳
۸/۵ - ۱۰ (خیلی زیاد)	۵۷	۱۴/۷	۱۰۰
جمع	۳۸۸	۱۰۰	—
میانگین: ۶/۵۸	انحراف معیار: ۱/۷۸	کمینه: ۰	بیشینه: ۱۰

در بررسی وضعیت درآمدی زنان از محل قالیبافی مشخص شد که درآمد حاصل از قالیبافی زنان بین ۱۰۰ تا ۹۲۵۰۰ هزار ریال در طول یک سال متغیر بوده و به طور میانگین هر کدام از قالیبافان در حدود ۴۳۲۰ هزار ریال در سال از محل قالیبافی درآمد کسب کرده‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که اکثریت زنان قالیباف استان (۴۵/۳ درصد) کمتر از ۲۵۰۰ هزار ریال در سال از محل قالیبافی درآمد داشته و تنها ۵ درصد درآمد بالای ۱۰۰۰۰ هزار ریال از این طریق درآمد کسب کرده‌اند (جدول ۴).

جدول شماره (۴): توزیع فراوانی جامعه نمونه برحسب درآمد حاصل از قالیبافی در طول یک سال (هزار ریال)

درآمد حاصل از قالیبافی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از ۲۵۰۰ هزار ریال	۱۸۳	۴۵/۳	۴۵/۳
۲۵۰۱ - ۵۰۰۰	۱۲۴	۳۰/۷	۷۶/۰
۵۰۰۱ - ۷۵۰۰	۵۳	۱۳/۱	۸۹/۱
۷۵۰۱ - ۱۰۰۰۰	۲۴	۵/۹	۹۵/۰
بیشتر از ۱۰۰۱۰ هزار ریال	۲۰	۵	۱۰۰
جمع	۴۰۴	۱۰۰	—
میانگین: ۴۳۲۰	انحراف معیار: ۷۲۶۹	کمینه: ۱۰۰	بیشینه: ۹۲۵۰۰

بررسی وضعیت تولیدی زنان قالیباف استان نیز بیانگر آن است که میزان تولید فرش دستباف قالیبافان در طول یک سال، بین ۰/۲ تا ۱۲ متر مربع متغیر و میانگین تولید فرش قالیبافان این گروه در طول یک سال ۳/۳۲ متر مربع با انحراف معیار ۲/۱۹ متر مربع بوده است. اکثریت قالیبافان (۳۹/۷ درصد) نیز در طول یک سال کمتر از ۲ متر مربع تولید فرش داشته‌اند (جدول ۵).

جدول شماره (۵): توزیع فراوانی جامعه نمونه برحسب متراف فرش تولیدی در طول یک سال

میزان فرش بافته شده	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از ۲ متر مربع	۱۶۰	۳۹/۷	۳۹/۷
۲-۴/۱	۱۳۷	۳۴/۰	۷۳/۷
۴-۶/۱	۸۸	۲۱/۸	۹۵/۵
بیشتر از ۶/۱ متر مربع	۱۸	۴/۴	۱۰۰
جمع	۴۰۳	۱۰۰	—
میانگین: ۳/۳۲	انحراف معیار: ۲/۱۹	کمینه: ۰/۲	بیشینه: ۱۲

یکی از موارد مورد توجه در مطالعه حاضر، مطالعه میزان رضامندی قالیبافان از شغل خود بود. برای سنجش این متغیر از ۱۲ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده گردید. نتایج نشان داد میزان رضایت از شغل قالیبافی اکثریت قالیبافان (۳۶/۲ درصد) در حد متوسط، ۴/۵ درصد از آن‌ها رضایت خیلی کم و ۱۸/۶ درصد در حد خیلی زیاد از شغل خود داشته‌اند.

سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن ۱۱۹

شاخص توانمندی اقتصادی زنان قالیباف روستایی با سه مؤلفه درآمد حاصل از قالیبافی، میزان تولید فرش دستباف و دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به نتایج بدست آمده، مشخص شد که میزان توانمندی اقتصادی ۶/۴ درصد از زنان قالیباف مورد مطالعه کم، ۵۴/۵ درصد متوسط، ۲۳/۸ درصد زیاد و ۱۵/۳ درصد خیلی زیاد است (جدول ۶). به عبارتی می‌توان گفت وضعیت توانمندی اقتصادی زنان قالیباف روستایی استان در سطح متوسط به بالا است.

شاخص توانمندی اجتماعی نیز با سه مؤلفه تعامل اجتماعی، مشارکت اجتماعی و آگاهی اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که میزان توانمندی اجتماعی ۱۲ درصد از زنان قالیباف مورد بررسی کم، ۴۴/۹ درصد متوسط، ۲۳/۶ درصد زیاد و ۱۹/۵ درصد خیلی زیاد است (جدول ۶). به لحاظ توانمندی اجتماعی نیز وضعیت زنان قالیباف روستایی استان در سطح متوسط است. در مجموع با توجه به شاخص‌های مورد بررسی جهت سنجش توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی استان مشخص شد که میانگین توانمندی اجتماعی زنان بیشتر از میانگین توانمندی اقتصادی آنها است.

جدول شماره (۶): توزیع فراوانی زنان قالیباف براساس توانمندی اقتصادی و اجتماعی

سطح توانمندی اقتصادی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم (۲-۲/۹۴)	۲۶	۶/۴	۶/۴
متوسط (۲/۹۵-۵/۱۲)	۲۲۰	۵۴/۵	۶۰/۹
زیاد (۵/۱۳-۷/۳)	۹۶	۲۳/۸	۸۴/۷
خیلی زیاد (۷/۴-۱۲)	۶۲	۱۵/۳	۱۰۰
جمع	۴۰۴	۱۰۰	--
Max = ۱۲ Min = ۲ Mean = ۵/۱۲ Sd = ۲/۱۸			
سطح توانمندی اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم (۳-۴/۹۴)	۴۸	۱۲/۰	۱۲/۰
متوسط (۴/۹۵-۷/۲۸)	۱۷۹	۴۴/۹	۵۶/۹
زیاد (۷/۲۹-۹/۶۲)	۹۴	۲۳/۶	۸۰/۵
خیلی زیاد (۹/۶۳-۱۲)	۷۸	۱۹/۵	۱۰۰
جمع	۳۹۹	۱۰۰	--
Max = ۱۲ Min = ۳ Mean = ۷/۲۸ Sd = ۲/۳۴			

نتایج استنباطی

عوامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی زنان قالیباف

به منظور اندازه‌گیری تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر توانمندی اقتصادی زنان قالیباف، از رگرسیون گام به گام استفاده شد که طبق نتایج بدست آمده معادله رگرسیون تا ۴ مرحله پیش رفت. در گام اول متغیر ابعاد فرش دستباف تولیدی، در گام دوم متغیر دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی، در گام سوم متغیر سطح دانش تخصصی و در گام چهارم متغیر مدت زمان قالیبافی در طول روز وارد معادله شدند و چهار متغیر مذکور در مجموع در حدود ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (توانمندی اقتصادی) را تبیین کردند.

جدول شماره (۷): نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام توانمندی اقتصادی

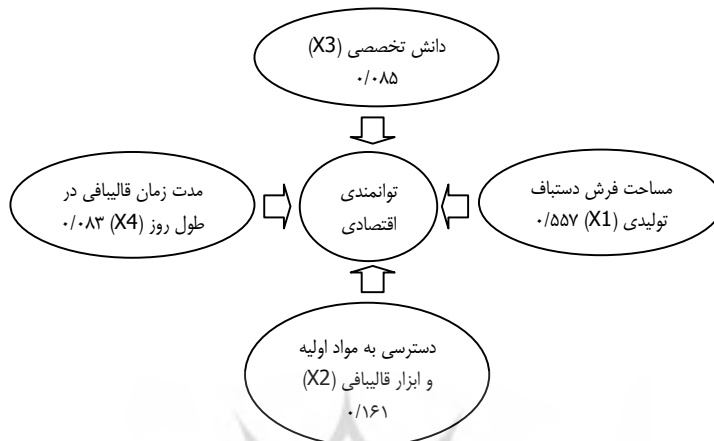
متغیر مستقل	B	β	t	Sig
مساحت فرش دستباف تولید (X1)	۰/۵۱۶	۰/۵۵۷	۱۳/۶۰۸	۰/۰۰۰
دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی (X2)	۰/۱۰۳	۰/۱۶۱	۳/۸۹۱	۰/۰۰۰
سطح دانش تخصصی (X3)	۰/۱۰۱	۰/۰۸۵	۲/۰۸۶	۰/۰۳۸
مدت زمان قالیبافی در طول روز (X4)	۰/۰۷۵	۰/۰۸۳	۲/۰۷۸	۰/۰۳۸
ضریب ثابت	۰/۳۵۲	-	۰/۷۰۸	۰/۴۸۰
	$R=۰/۶۵۴$	$R^2=۰/۴۲۷$		

پیرامون سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته می‌توان چنین بیان کرد که با توجه به مقادیر بتا، متغیر مساحت فرش دستباف تولیدی نسبت به سایر متغیرها بیشترین سهم را در تبیین متغیر توانمندی اقتصادی داشته است. زیرا به ازاء یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به اندازه ۰/۵۵۷ واحد تغییر در انحراف معیار توانمندی اقتصادی ایجاد می‌شود. همچنین متغیرهای دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی (β=۰/۱۶۱)، سطح دانش تخصصی (β=۰/۰۸۵)، متغیر مدت زمان قالیبافی در طول روز (β=-۰/۰۸۳) به ترتیب بیشترین تأثیر را بر توانمندی اقتصادی زنان قالیباف داشته‌اند. معادله خط رگرسیون نیز به صورت زیر است:

$$Y = ۰/۳۵۲ + ۰/۵۱۶(x1) + ۰/۱۰۳(x2) + ۰/۱۰۱(x3) + ۰/۰۷۵(x4)$$

سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن ۱۲۱

نمودار شماره (۲): عوامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی زنان قالیباف روستایی



عوامل مؤثر بر توانمندی اجتماعی زنان قالیباف

در خصوص عوامل مؤثر بر توانمندی اجتماعی زنان قالیباف معادله رگرسیون تا ۴ مرحله پیش رفت. در گام اول متغیر رضایت از شغل قالیبافی، در گام دوم متغیر توانمندی اقتصادی، در گام سوم متغیر سطح دانش تخصصی و در گام چهارم متغیر سطح تحصیلات وارد معادله شدند و چهار متغیر مذکور در مجموع در حدود ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (توانمندی اجتماعی) را تبیین کردند.

جدول شماره (۸): نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام توانمندی اجتماعی

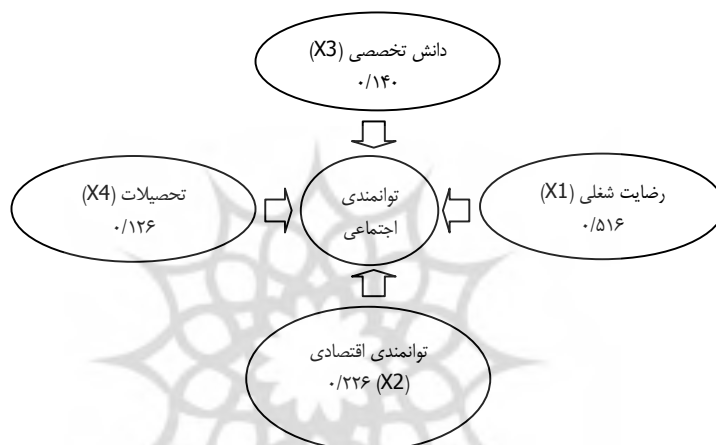
متغیر مستقل	B	β	t	Sig
رضایت از شغل قالیبافی	۱/۱۷۹	۰/۵۱۶	۱۲/۹۱۷	۰/۰۰۰
توانمندی اقتصادی	۰/۲۳۹	۰/۲۲۶	۵/۷۳۳	۰/۰۰۰
سطح دانش تخصصی	۰/۱۷۹	۰/۱۴۰	۳/۵۱۱	۰/۰۰۰
سطح تحصیلات	۰/۱۸۱	۰/۱۲۶	۳/۲۴۱	۰/۰۰۱
ضریب ثابت	۰/۳۹۴	-	۰/۸۶۴	۰/۳۸۸
$R^2 = ۰/۴۳۲$		$R = ۰/۶۵۷$		

پیرامون سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته می‌توان چنین بیان کرد که با توجه به مقادیر بتا، متغیر رضایت از شغل قالیبافی نسبت به سایر متغیرها بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته توانمندی اجتماعی داشته است. زیرا به ازاء یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به اندازه ۰/۵۱۶ واحد

تغییر در انحراف معیار متغیر وابسته ایجاد می‌شود. همچنین متغیرهای توانمندی اقتصادی ($\beta = ۰/۲۲۶$)، سطح دانش تخصصی ($\beta = ۰/۱۴۰$) و متغیر سطح تحصیلات ($\beta = ۰/۱۲۶$) به ترتیب بیشترین تأثیر را بر توانمندی اجتماعی زنان قالیباف داشته‌اند. معادله خط رگرسیون نیز به صورت زیر است:

$$Y = ۰/۳۹۴ + ۱/۱۷۹ (x1) + ۰/۳۳۹ (x2) + ۰/۱۷۹(x3) + ۰/۱۸۱ (x4)$$

نمودار شماره (۳): عوامل مؤثر بر توانمندی اجتماعی زنان قالیباف روستایی



نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مطالعه میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج بدست آمده نشان داد که توانمندی اکثریت زنان قالیباف روستایی استان همدان در حد متوسط می‌باشد. با این وجود سطح توانمندی زنان مورد مطالعه ارتباط مستقیمی با شدت فعالیت و سطح تولید آن‌ها دارد. نتایج تحقیق شریفی و همکاران (۱۳۸۹) نیز نشان می‌دهد هر چقدر قالیبافان وقت بیشتری را صرف قالیبافی کنند، در عرصه اقتصادی توانمندی بیشتری کسب خواهند نمود. دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی مناسب نیز یکی از متغیرهای مؤثر بر توانمندی اقتصادی زنان قالیباف روستایی استان است. قالیبافانی که به مواد اولیه با کیفیت دسترسی پایدار دارند، توانایی بیشتری در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی کسب نموده‌اند. نتایج سایر محققان از جمله مرادی (۱۳۸۹) نیز بیانگر این مسأله است.

سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن ۱۲۳

براساس نتایج بدست آمده افزایش دانش تخصصی زنان روستایی در زمینه حرفه قالیبافی از دیگر عوامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی آنها است. قالیبافی حرفه‌ای است که نیاز به دانش و تجربه دارد و در صورتی که قالیبافان در کنار تجربه، دانش تخصصی خود را در زمینه قالیبافی افزایش دهند، قطعاً کیفیت فرش دستباف تولیدی آنها افزایش خواهد یافت که همین موضوع سبب می‌شود که فرش تولیدی آنها دارای قیمت بالاتر و تعداد متقاضیان بیشتری باشد. نتایج پژوهش شکوری و همکاران (۱۳۸۶) نیز مؤید این نکته است. در کنار آموزش‌های حرفه‌ای و غیر رسمی، اساساً تحصیلات زنان قالیباف، نقش مؤثری در توانمندی اجتماعی آنها دارد. نتیجه بدست آمده با نتایج مطالعه ساعی ارسی و ولی پور (۱۳۸۸) مبنی بر نقش مثبت تحصیلات در توانمندی زنان، همخوانی دارد. لذا، تشریح اهمیت تحصیلات دختران در بین خانواده‌های روستایی و همچنین توسعه نهضت سوادآموزی در مناطق روستایی، در بهبود وضعیت اجتماعی آنها مؤثر خواهد بود. با توجه به نتایج تحقیق لازم است مسوولین امر توجه بیشتری به صنعت فرش دستباف و شاغلان این صنعت به ویژه زنان قالیباف روستایی داشته باشند و با فراهم کردن عوامل زمینه ساز توانمندی اقتصادی و اجتماعی آنها، سبب بهبود وضعیت آنها شوند. در پایان پیشنهاد می‌شود:

برنامه‌ها و طرح‌هایی در جهت تقویت دوباره صنعت فرش دستباف صورت گیرد تا از این طریق شاهد رونق دوباره این صنعت در کشور و توانمندی شاغلان این صنعت به ویژه زنان قالیباف روستایی کشور باشیم.

نتایج تحقیق نشان داد، تولید فرش‌هایی با مساحت بیشتر در مقایسه با فرش‌های کوچک منافع اقتصادی بیشتری به دنبال خواهد داشت. از آنجا که در استان همدان عمدتاً فرش دستباف ذرع نیم بافته می‌شود که ابعادی در حدود $۱ \times ۱/۵$ متر دارد، توصیه می‌شود قالیبافان استان، فرش‌های با ابعاد بزرگتر مثل فرش‌های ۶ متری و ۱۲ متری بیافند.

پیشنهاد می‌شود اتحادیه‌های قالیبافان استان و تعاونی‌های فرش دستباف روستایی، که قالیبافان عمدتاً مواد اولیه مورد نیاز خود را از طریق آنها تأمین می‌کنند، مواد اولیه و ابزار قالیبافی با کیفیت را در اختیار قالیبافان قرار دهند. چرا که مواد اولیه مناسب یکی از فاکتورهای مؤثر بر کیفیت فرش بافته شده است که همین عامل، باعث افزایش قیمت فرش تولیدی می‌شود.

نتایج مطالعات مختلف حاکی است بین خدمات آموزشی دریافت شده و توانمندی کلی زنان رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. بنابراین توصیه می‌شود که سازمان‌های مرتبط با قالیبافی دوره‌های آموزشی

متناسب با نیاز قالیبافان را برگزار کنند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد هر چه زنان روستایی از توانمندی اقتصادی بالاتری برخوردار باشند، جایگاه اجتماعی مناسب‌تری خواهند داشت. بنابراین پیشنهاد می‌شود که با فراهم کردن عواملی که زمینه‌ساز توانمندی اقتصادی زنان قالیباف روستایی است، زمینه افزایش توانمندی اجتماعی این قشر از جامعه نیز فراهم شود. با توجه به نتایج بدست آمده افزایش دانش تخصصی زنان قالیباف علاوه بر این که در توانمندی اقتصادی آنها مؤثر است، در بهبود توانمندی اجتماعی آنها نیز مؤثر است. بنابراین برگزاری دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای قالیبافی به منظور افزایش دانش تخصصی قالیبافان استان به ویژه زنان قالیباف روستایی که دسترسی محدودتری به دوره‌های آموزشی برگزار شده در شهر دارند، توسط تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در روستاهای استان می‌تواند به افزایش دانش حرفه‌ای زنان قالیباف یاری رساند.

در نهایت رشد و توسعه مشاغل کوچک در گرو حمایت دولت از این حرفه‌هاست. در این خصوص قالیبافی جایگاه ویژه‌ای دارد، پیشنهاد می‌شود با تشکیل یک کارگروه تخصصی با حضور تولیدکنندگان، کارشناسان و صاحب نظران راهکارهای جهت برون رفت از مشکلات این صنعت و توانمندی شاغلان این صنعت به ویژه زنان قالیباف روستایی بررسی گردد.

منابع

- خلوتی، ملیحه (۱۳۸۸) بررسی میزان توانمندی زنان خان هدار و عوامل مؤثر بر آن در شهر شیراز ۱۳۸۶، فصلنامه ی پژوهش اجتماعی، ۲(۴): ۱۷۱-۱۵۳.
- رحیمیان، اشرف (۱۳۸۶) طراحی مدلی برای توانمندسازی شهروندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ساعی ارس، ایرج و ولی پور، شهریانو (۱۳۸۸) شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی (مطالعه موردی استان لرستان)، علوم رفتاری، ۱ (۲): ۱۰۱-۶۷.
- سروش مهر، هما؛ رفیعی، حامد؛ کلاتری، خلیل شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۹) بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن (مطالعه موردی: شهرستان همدان)، پژوهش‌های روستایی، ۱ (۱): ۴۹-۴۹.
- شادی طلب، زاله و گرابی نژاد، علیرضا (۱۳۸۳) فقر زنان سرپرست خانوار، پژوهش زنان، ۲ (۱): ۴۹-۴۹.
- شکوری، علی؛ رفعت‌جاه، مریم و جعفری بهتاش، مصومه (۱۳۸۶) مؤلفه های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن ها، پژوهش زنان، ۵(۱): ۱۵.
- صدیقی، حسن (۱۳۸۰) بررسی عوامل تأثیرگذار بر نگرش کشاورزی نسبت به توسعه کشت کلزا در استان مرکزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۹ (۳۵)، صص ۱۶۰-۱۳۹.

سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن ۱۲۵

- علی بیگی، امیر حسین؛ زرافشانی، کیومرث و اولانی، سعیده (۱۳۸۶) تحلیل جنسیتی فعالیت های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه: توصیه هایی برای عاملان توسعه روستایی، مطالعات زنان، (۲)۵.
- فرجی سبکبار، حسنی؛ خاکی، افشین و نعمتی، مرتضی (۱۳۸۸) ارزیابی نقش ICT در توانمندسازی زنان روستایی مطالعه موردی: روستای قرن آباد. نشریه انجمن جغرافیای ایران، ۷(۲۲): ۱۷۳-۱۵۹.
- کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت و فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷.
- کلاتری، خلیل، شعبانعلی فعی، حسین و سروش مهر، هما (۱۳۸۹) بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی شهرستان همدان). توسعه روستایی، ۱(۲): ۱۲۴-۱۰۷.
- مرادی، محمد (۱۳۸۹) بررسی اثرات برنامه های اتحادیه فرشباخان شهرستان جوانرود بر توانمندسازی زنان روستایی: مطالعه موردی زنان قالیباف روستاهای: صفی آباد، بیاشوش و زلان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- محمدی، فریبرز (۱۳۸۷) عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی استان کرمانشاه سال ۱۳۸۶، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- نوری، سید هدایت اله و علی محمدی، نرگس (۱۳۸۸) تحلیلی بر فعالیت های اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه برآن - شهرستان اصفهان)، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، ۲۰(۲): ۱۰۴-۸۷.
- هاشمی، مریم (۱۳۷۴) نقش اقتصادی اجتماعی زنان روستایی قالیباف. فصلنامه مرکز مطالعات برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی، ویژه نامه زنان در کشاورزی، سال سوم.

Chant, S. (1997) Women-headed households: Poorest of the Poor? Perspectives from Mexico, Costa Rica and the Philippines. IDS Bulletin 28.

Chant, S. (2003) New contributions to the analysis of poverty: methodological and conceptual challenges to understanding poverty from a gender perspective. Santiago: CEPAL U.N., Women and Development Unit.

Jackson, M.A. (2010) Empowering Women of Nepal: An Experience of Empowerment in the Land of the Himalaya. M.A Thesis, Prescott College in Adventure Education.

Kabeer, N. (2000) Resources, Agency, and Achievements: Reflection on the Measurement of Women's Empowerment. Uppsala University, Sweden in cooperation whit Sida.

Liepins, R., Schick, R., (1998) Gender and Education: Towards Framework for a Critical Analysis of Agricultural Training, Sociologia Ruralis 38, pp. 286-302.

Malhotra, A. & Ruth, S. and Boender, C. (2002) Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development. Background paper prepared for the World Bank Workshop on Poverty and Gender: New Perspectives

Malhotra, A. (2003) Conceptualizing and Measuring Women's Empowerment as A Variable in International Development. Paper was presented at the Workshop on "Measuring Empowerment: Cross-Disciplinary Perspectives, 1-5.

Marmot, M. (2004) The Status Syndrome: How Social Standing Affects Our Health and Longevity, New York: Owl Books.

Menon, L. (2003) Organization Strategies in Women's Health: an Information and Action Hand Book. Manila: Isis International, 2003. 142 pp.

Nelson, P. J. (1995) The World Bank and Nongovernmental organization. Macmillan press. New York.

Parveen, Sh. (2007) Gender Awareness of Rural Women in Bangladesh. Journal of International Women's Studies, 9(1), 253-269.

Sanni, Lekan (2006) Comparative Study of Female-Headed Households in the City of Ibadan. JENdA: A Journal of Culture and African Women Studies.No8.

Ugbomeh. M. M. G. (2001) Empowerment Women in Agricultural Education for Sustainable rural Development. Oxford University Press and Community Development Journal: 36 No.4 pp: 289-302.

World Bank (2005) Empowerment in Practice from Analysis to Implementation. Ruth Alsop, Mette Frost, Bertelsen Jeremy, Holland16031-IN, South Asia Environment and Social Unit. World Bank, Washington, DC.